



دانشگاه قرآن و حدیث
پریس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان پایان نامه

حق اخذ و تصرف در خمس

استاد راهنما

عابدین مومنی

استاد مشاور

مرتضی چیت سازیان

دانشجو

ندا ابراهیم وندی

شهریور ۱۳۹۵

السلامة والسلامة والسلامة
السلامة والسلامة والسلامة
السلامة والسلامة والسلامة

تعهدنامه اصالت و حقوق پایان نامه

اینجانب ندا ابراهیم وندی دانشجوی ورود ۱۳۸۸ مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق که موضوع رساله/ پایان نامه ام با عنوان: «حق اخذ و تصرف در خمس»

در شورای علمی گروه آموزشی علمی فقه به تصویب نهایی رسیده است، تعهد می‌دهم:

الف) همه مطالب و مندرجات رساله/ پایان نامه ام حاصل تحقیقات شخصی ام تهیه شده است و در صورت استفاده از مطالب، نتایج تحقیقات، نقل قول‌ها، جداول و نمودارهای دیگران، منابع و مآخذ آن را مطابق با شیوه نامه دانشگاه ذکر نموده‌ام.

ب) حقوق مادی و معنوی دانشگاه را درباره این اثر محترم بشمارم و در صورتی که نتایج این تحقیق را در کتاب، مقاله، اختراع، اکتشاف و هر گونه تولید علمی دیگری منتشر کنم، با نام دانشگاه قرآن و حدیث بوده و مطابق با ضوابط آن عمل نمایم.

ج) در صورت استفاده از حمایت‌های مالی و غیر مالی نهادهای دولتی و غیر دولتی در این تحقیق، مراتب را کتباً به امورپایان نامه‌های دانشگاه اطلاع دهم.

د) چنانچه در هر شرایط و زمانی، خلاف تعهدات فوق ثابت شود، دانشگاه را در اتخاذ هر نوع تصمیم حقوقی مختار می‌دانم و نسبت به تصمیم اتخاذ شده ادعا و اعتراضی ندارم.

نام و نام خانوادگی دانشجو: ندا ابراهیم وندی

تاریخ و امضاء:

چکیده

موضوعی در فقه بایسته‌ی پژوهشی است که یا حکم آن ناپیداست و حکمی متناسب می‌طلبد یا شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی جدید، ما را به بازنگری در آن موضوع قرا می‌خواند.

وجوه شرعی: خمس، زکات و ... از آن دسته موضوعاتی هستند که به لحاظ شرایط و مقتضیات نوپیدا، شایسته‌ی تحقیق و بازنگریند چون حکومت حق از عناصری است که بود و نبود آن در بسیاری از احکام شرع، به ویژه احکام مالی آن، تاثیر فراوانی دارد که سیر گودی را می‌توان در پرداخت خمس و هزینه کردن آن مشاهده کرد. پرداخت کننده‌ی خمس آزاد است و کسی او را به پرداخت و انمی‌دارد، بسته به ایمان و تعهد اوست. ولی مسئولیت هزینه‌ی تمامی خمس که یک سهم است و از آن منصب امامت، در عصر غیبت بر عهده‌ی فقیه جامع شرایط نهاده شده است. در دوره‌ی غیبت و با تشکیل حکومت اسلامی و با توجه به ادله‌ی فقیه، خمس باید در اختیار ولی فقیه گزارده شود و شیعیان نیز، وظیفه دارند که خمس مال‌های خویش را به ولی امر مسلمانان و حاکم اسلامی تحویل بدهند و هزینه‌ی خمس به تشخیص مصلحت، از سوی ولی فقیه بستگی دارد و آنچه در آیات و روایات آمده، نمونه‌های هزینه است، نه اینکه فقط باید در بین آن‌ها تقسیم شود.

کلید واژه‌ها: خمس، غیبت، ولی فقیه، حکومت، منصب، امام

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم.....
۲	۱-۱ کلیات
۲	۱-۱-۱ بیان مسئله
۳	۱-۱-۲ اهمیت و ضرورت
۴	۱-۱-۳ سوالات تحقیق
۴	۱-۱-۳-۱ سوالات اصلی تحقیق
۵	۱-۱-۳-۲ سوالات فرعی تحقیق
۵	۱-۱-۴ فرضیات تحقیق
۵	۱-۱-۵ پیشینه تحقیق
۷	۲-۱ مفاهیم
۷	۱-۲-۱ مفهوم شناسی خمس
۷	۲-۲-۱ خمس در اصطلاح فقها
۹	۲-۳-۱ تشریح و وجوب خمس در آئینه‌ی قرآن
۱۰	۲-۴-۱ اهمیت خمس
۱۳	۲-۵-۱ فلسفه تشریح خمس
۱۴	۲-۶-۱ عدالت اقتصادی در پرتو بعثت پیامبران
۱۴	۲-۷-۱ تعریف عدالت
۱۵	۲-۸-۱ مقبولیت عدالت
۱۵	۲-۹-۱ سیستم اقتصادی در اسلام:
۱۶	۲-۱۰-۱ مبانی فلسفی نظام اقتصادی (با رویکرد خمس)
۲۰	۲-۱۱-۱ آثار اجتماعی خمس

۲۰	۱-۱۱-۲-۱ تقویت حکومت اسلامی.....
۲۰	۲-۱۱-۲-۱ رفع نیاز مستمندان در راستای برقراری عدالت.....
۲۵	فصل دوم: وجوب و متعلقات خمس.....
۲۶	۱-۲ طرح مسئله.....
۲۷	۲-۲ پیشینه تاریخی بحث درباره متعلقات خمس.....
۲۹	۱-۲-۲ خمس در عصر رسول خدا <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small>
۳۶	۲-۲-۲ خمس در عصر ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۵۵	۳-۲-۲ خمس در عصر غیبت صغرا.....
۵۹	۴-۲-۲ خمس در عصر غیبت کبرا.....
۶۵	۵-۲-۲ سهم امام ملک منصب امامت.....
۷۳	فصل سوم: نظرات فقها پیرامون محدوده اختیارات ولی فقیه و خمس در عصر غیبت.....
۷۴	۱-۳ طرح مسئله.....
۷۵	۲-۳ مرحله اول: دوره آغاز اجتهاد (از قدیمین تا محقق کرکی).....
۸۲	۳-۳ مرحله دوم: دوره صفویه (از محقق کرکی تا محقق نراقی).....
۸۹	۴-۳ مرحله سوم: دوره قاعده مندی نظریه (از محقق نراقی تا محقق نائینی).....
۹۵	۵-۳ مرحله چهارم: دوره مشروطه (از محقق نائینی تا امام خمینی).....
۹۸	۶-۳ مرحله پنجم: دوره درخشش ولایت فقیه در میدان عمل.....
۱۱۱	۱-۶-۳ مزاحمت ولی فقیه با فقهای دیگر در دریافت سهم امام.....
۱۲۳	فصل چهارم: نگاهی حقوقی به غیبت امام زمان <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>.....
۱۲۴	۱-۴ طرح مسئله.....
۱۲۴	۲-۴ قواعد کلی در بیان حقوق امام غایب.....
۱۳۰	۳-۴ بیان نگرش فقها.....
۱۳۳	۴-۴ مصداق شناسی حقوق امام غایب.....
۱۳۴	۵-۴ مبنای نگرش فقها.....

- ۶-۴ ولایت بر اموال امام غایب ۱۳۶
- ۷-۴ نگاه جدید در حقوق امام غایب ۱۳۷
- سخن پایانی و استنتاج ۱۴۳
- فهرست منابع ۱۴۴

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ بیان مسئله

غیبت و نهران بودن یا نهران شدن از اموال، همسر یا شوهر، تعهدات و قرار دادهای منعقد و امثال آن، مستلزم پیامدهای حقوقی بسیاری است که در ابواب و مباحث مختلف فقهی حقوقی به آن پرداخته شده است. کسی که غایب است ممکن است شکایت یا ادعایی علیه او در دادگاه در جریان باشد، همسر یا شوهری اختیار کرده، امانتی سپرده، و دیعه‌ای در اختیار داشته باشد، وکالتی پذیرفته، عقد اجاره‌ای - اعم از اجاره اشخاص یا کالا - منعقد کرده، در میراثی سهمیم باشد یا اموال بسیاری فراهم کرده باشد. او الان حضور ندارد که نسبت به شکایت یا ادعای مطرح شده از خود دفاع نماید، یا التزامات و تعهدات ناشی از قرار دادهای را انجام دهد، یا سهم الارث خودش را وصول نماید، یا اموالش را حفظ نماید یا در جریان فعالیت‌های اقتصادی قرار دهد، و مواردی از این قبیل.

نسبت به چنین فردی چه می‌توان کرد؟ چه کسی حق تصمیم‌گیری در شئون او را دارد؟ آیا به صرف غیبت شوهر، همسر او می‌تواند عده نگه داشته، پس از آن ازدواج کند؟ اگر اجیر غایب شد، مستاجر حق فسخ عقد اجاره و انعقاد آن با شخص سوم را دارد؟ اگر مستاجر غایب شد، اجیر می‌تواند از اموال او حق خودش را وصول نماید؟ اگر موجر غایب شد مستاجر می‌تواند محل اجاره یا عوض در عقد اجاره را تملک نماید و از دادن اجاره سرباز زند؟ یا اگر مستاجر غایب شد موجر می‌تواند محل اجاره را به شخص سوم اجاره دهد؟ و سوالاتی که نسبت به دیگری موارد مذکور قابل طرح است.

براساس قوانین و مقررات اسلامی و برای دفع ضرر از تمام مسلمانان و دیگر مللی که حقوقی برای آنان می‌شناسد و حافظ منافع آنان می‌باشد، غیبت و حضور در دفع ضرر، و حفظ منافع تأثیری ندارد، لذا در مقررات اسلامی برای غایبان، احکام و قوانینی تشریح گردیده است که هم ناظر به مصالح آنهاست و هم ناظر به مصالح کسانی است که در ارتباط با آنان حقوقی دارند.

بر طبق مصالح اساسی ضمن حفظ حقوق تمام طرف‌ها، دستورهای داده شده است که این امر را به بن بست نمی‌کشاند، و حقی نیز ضایع نمی‌شود.

امام زمان {روحي له الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف} که از دیدگان نهان است و امام غایب می‌باشد، حقوق بسیاری در جامعه اسلامی دارد که امکان ایصال و رساندن حقوق به ایشان وجود ندارد. از این رو، از دیرباز یکی از موضوعاتی مهم فقه امامیه، حقوق امام زمان عجل الله تعالی فرجه بوده است که آیا غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه با غیبت آحاد مسلمانان از حیث حقوقی یکی است یا متفاوت است؟ اگر متفاوت است سبب و دلیل تفاوت چیست؟ و اگر مشترک است، منافع آن حضرت چگونه حفظ می‌شود؟ چه تصمیمی نسبت به حقوق آن حضرت به مصلحت ایشان است؟ چه کسی نسبت به حقوق امام، حق تصمیم‌گیری دارد؟

۲-۱-۱ اهمیت و ضرورت

با توجه به این که تلقی مالکیت شخصی امام عجل الله تعالی فرجه نسبت به احماس، زکوات، انفال و... با اصل برابری حقوقی تمام انسان‌ها در برابر احکام الهی اسلام انطباق ندارد، هدف ما در این پژوهش آن است که با ارزیابی دیدگاه‌های فقهای امامیه، قرار گرفتن آن اموال در حوزه حقوق عمومی و اداره آن اموال توسط فقیه مبسوط الید بر اساس نیابت را بررسی کنیم و از آنجا که در فقه امامیه مبحث خاصی با عنوان مسائل حقوقی غیبت امام عجل الله تعالی فرجه وجود ندارد و حقوق امام غایب به عنوان یک موضوع مورد بحث نگرفته است؛ ولی به مناسبت، در ضمن بعضی مباحث، از حقوق امام غایب بحث شده است که چون استقصاء آنها در استنباط مباحث آتی موثر است، به ذکر آن موارد می‌پردازیم:

۱. نماز جمعه (طوسی، ۱۰۷، محقق،.....)

۲. نماز عید فطر و قربان (طوسی، ۱۳۳، محقق،.....)

۳. جهاد (طوسی، ۲۹۰، محقق،.....)

۴. امر به معروف (اقامه حدود، قضاوت میان مردم: طوسی، ۳۰۰؛ محقق،.....)

۵. زکات (طوسی، ۸۵، محقق،.....)

۶. خمس و انفال (طوسی، ۲۰۰، محقق،.....)

۷. میراث، ولاء امامت (طوسی، ۶۷۱، محقق،.....)

۸. قضاء (طوسی، ۳۰۱؛ محقق،.....)

موضوع اصلی در موارد فوق آن است که با حضور امام معصوم افعال مذکور واجب‌اند و یا با اذن امام انجام می‌گیرند و یا اینکه اگر جنبه مالی داشته باشند به امام پرداخت می‌شوند.

در موارد مذکور وجود امام شرط تکلیف یا شرط جواز انجام تکلیف و یا شرط صحت تکلیف و سبب برائت ذمه است. با توجه به اینکه در موارد مذکور وجود یا حضور امام، به گونه‌ای، شرط است، یکی از فروعات بحث آن است که در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک انجام امور فوق چه حکمی دارد؟ مثلاً نماز جمعه در عصر غیبت چه حکمی دارد؟ یا اینکه جهاد چه حکمی دارد؟ و یا اینکه خمس چه حکمی دارد و در صورت پرداخت به چه کسی داده می‌شود؟

ممکن است بحثی که در این موارد انجام می‌شود، از این باب باشد که چون شرط تکلیف منتفی است، خود تکلیف هم ساقط می‌شود؛ یا اینکه انجام آن تکالیف در حوزه اختیارات و حقوق امام معصوم قرار دارد. بنابر این، اگر کسی بدون احراز اذن امام معصوم و خودسرانه، به انجام آن تکالیف بپردازد، تجاوز به حقوق امام معصوم است. یا اینکه احتمال داده می‌شود امام معصوم برای دوران غیبت دستوراتی صادر کرده‌اند که احتمال سقوط یا تعطیلی آن تکالیف را دفع می‌کند. پذیرش هر یک از دوشق مذکور وضعیت مسائل حقوقی مربوط به غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک را تغییر می‌دهد و در استنباط احکام حقوقی، موثر است.

۳-۱-۱ سوالات تحقیق

۱-۳-۱-۱ سوالات اصلی تحقیق

۱. آیا خمس به عنوان امر ولایی برائمه مشخص شده یا برای نیازهای شخصی؟

۲. آیا پرداخت خمس به فقها از باب حسبه و حفظ اموال غایب است یا از باب ولایت آن‌ها بر امور جامعه؟

۲.۳.۱.۱ سوالات فرعی تحقیق

۱. آیا دیگر فقها می‌توانند مسئولیت هزینه و دریافت خمس را مستقلاً داشته باشند یا نه؟
۲. آیا با وجود فقیه حاکم و دارای اختیار در راس نظام دیگر فقها ولایت دارند تا بتوانند نیابتی که در آن ولایت دارند خمس نیز دریافت کنند.

۴.۱.۱ فرضیات تحقیق

۱. از جهت آن که ائمه علیهم‌السلام مجری احکام اسلام و مسئول اداره جامعه هستند از باب منصب ولایت خمس به آنها داده می‌شود، و مالکیت امام بر خمس، مالکیت عنوانی است و امام علیه‌السلام با شخصیت حقوقی خود، مالک آن اموال است.
۲. از جهت نیابت از ائمه علیهم‌السلام فقها در عصر غیبت خمس دریافت می‌نمایند.
۳. با فعلیت یافتن ولایت فقیه که در راس حکومت قرار گرفته‌اند ولایت دیگر فقها شانی و بالقوه می‌باشد.
۴. از جهت آنکه هرج و مرج در جامعه صورت نگیرد فقیهان دیگر بر اساس مقدار اذن فقیه متولی جامعه مجاز به دریافت خمس می‌باشند.

۵.۱.۱ پیشینه تحقیق

قدیمی‌ترین سند فقهی موجود که از حقوق امام غایب عجل‌الله‌فرجه سخن گفته، کتاب مقنعه شیخ مفید و پس از آن نهاییه شیخ طوسی است.

در تمام منابعی که از حقوق امام غایب بحث کرده‌اند دلیل و بیان شرعی‌ای که در مورد حقوق امام غایب عجل‌الله‌فرجه باشد و اختصاص به آن مورد داشته باشد، ذکر نکرده‌اند و روایتی که بیان حقوق آن حضرت باشد ارائه ننموده‌اند. عدم ذکر دلیل خاص و یا روایتی در باب حقوق آن حضرت، دلیل بر نبودن روایت و دلیل اختصاص است. اگر چنین دلیلی وجود می‌داشت، قطعاً آن را ذکر می‌کردند؛ زیرا داعیه‌ای بر عدم ذکر آن وجود نداشته و ندارد. علاوه بر اینکه پیش از شیخ مفید، نسبت به حقوق امام غایب، اختلاف شدیدی در میان فقهای امامیه به وجود آمده بود. شیخ مفید در مقنعه (ص ۲۸۵-۲۸۶) و شیخ طوسی در نهاییه (ص ۲۰۰-۲۰۱) متعرض آراء آنها شده‌اند؛ اگر چه صاحب قول را معرفی نکرده‌اند، همین نقل اختلاف آراء و انظار فقها در مورد حقوق امام

غایب عنه السلام، بیانگر آن است که صاحب نظران، شخصیت‌های مورد قبول شیخ طوسی بوده‌اند. قطعاً اگر روایت یا دلیلی که مختص حقوق امام غایب عنه السلام باشد، وجود می‌داشت و از دیدگاه بعضی پنهان می‌ماند، بعضی دیگر از آن اطلاع و آگاهی پیدا می‌کردند و در اختلاف نظر و فتوی آن را ارائه می‌دادند و بر همه فقها پنهان نمی‌ماند.

افزون بر آن فقهای بعد از شیخ طوسی نیز مدعی چنین دلیلی نشدند^۱. لذا شیخ طوسی می‌فرماید: نسبت به مستحقین خمس در میان اصحاب ما، اختلاف آراء وجود دارد، و نص معین و خاص در مورد آن وجود ندارد، جز اینکه هر یک از آنها بر مقتضای احتیاط، نظری داده‌اند.

شیخ مفید نیز قبل از شیخ طوسی فرمودند:

اختلاف اصحاب ما در این باب، صرفاً به جهت عدم وجود الفاظ و بیانات صریحی است، که بتوان به آن پناه برد. نبودن الفاظ و بیانات صریح صرفاً به جهت وجود وضعیت بسیار محنت‌انگیز و دشوار بوده است.^۲ ایشان در عبارتی دیگر می‌فرمایند:

خمس حقی واجب برای امام غایب است. امام غایب پیش از غیبت، بیانیه و دستوری صادر نفرمودند که ارجاع به آن در تعیین مستحقین خمس واجب باشد.^۳

با فقدان نص و دلیل خاص نسبت به حقوق امام غایب عنه السلام _ بالضرورة بر اساس عمومات و اطلاقات، ادله عقلیه و قواعد کلی فقهی _ امکان استنباط حقوق امام غایب عنه السلام، و تحلیل و تبیین آن فراهم می‌شود. بدین لحاظ در تمام منابع فقهی امامیه که از حقوق آن حضرت _ هر چند ضمنی _ بحث شده است، تبیین آن با ادله کلی، یعنی عمومات، اطلاقات و ادله عقلیه بوده است. متاخرین از فقها با همان سبک و شیوه قدما به نقد، تحلیل و تبیین آرای قدما پرداختند، و دیدگاه و فتوای خود را در عرض فتاوی قدما ارائه کردند.

روشی که در این پژوهش نیز رعایت می‌شود.

۱. مختلف الشیعه، تذکره الفقها، جواهر الکلام.

۲. مفید، محمد. المقنعة. ص ۲۸۶.

۳. همان، ص ۲۸۵.

۲.۱ مفاهیم

۱.۲.۱ مفهوم شناسی خمس

خمس در لغت به معنای «یک پنجم» و جمع آن «اخماس» است.^۱ و در اصطلاح فقه عبارت است از: پرداخت یک پنجم اموال و در آمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهش و یا از راه‌های کارگری و کارمندی و... به دست می‌آید و زاید بر مخارج زندگانی باشد، به مستحقان خاص آن.^۲

و نکته قابل ذکر این است که: از مجموعه تعریف‌های فقها پیرامون واژه خمس، نکات زیر به دست می‌آید:

الف) خمس یکی از واجبات مسلم و ضروریات دین، مانند نماز و روزه است.

ب) خمس برای بنی هاشم یک حق مالی است که به احترام آنها به جای زکات، به ایشان داده می‌شود.

ج) خمس فقط به فرزندان بنی هاشم داده می‌شود.

د) خمس واجبی است که از قرآن، سنت و از اجماع ثابت است.^۳

۲.۲.۱ خمس در اصطلاح فقها

شهید اول: «وهو حق یثبت فی الغنائم لبنی هاشم بالاصالة عوضاً عن الزکاة؛ خمس حقی در غنائم است که برای بنی هاشم بالاصالة به جای زکات ثابت است.»^۴

میرزای قمی: «وهو حق مالی یثبت لبنی هاشم بالاصالة عوض الزکاة؛ مالی برای بنی هاشم است که بالاصالة، به جای زکات ثابت است.»^۵

صاحب مدارک الاحکام: «الخمس حق مالی ثبت لبنی هاشم بالاصل عوض الزکاة وهو ثابت بالکتاب والسنة والاجماع؛ خمس حق مالی است که برای بنی هاشم عوض از زکات ثابت می‌باشد و وجوب خمس از کتاب و

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم. لسان العرب. ج ۶. ص ۷۰.

۲. خزائلی، محمد. احکام قرآن. ص ۴۵۵.

۳. شهید اول، محمدبن مکی. الدرر الشریعة. ج ۱. ص ۲۵۸؛ قمی، میرزا ابوالقاسم. غنائم الايام. ج ۴. ص ۲۷۹؛ موسوی عاملی، سید محمد علی. مدارک الاحکام. ج ۵. ص ۳۵۹؛ یزدی، محمدکاظم. عروة الوثقی. ج ۲. ص ۳۶۶؛ حایری، مرتضی. الخمس. ص ۱۱؛ نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام. ج ۱۶. ص ۲؛ خمینی، تحریر الوسيلة. ج ۱. ص ۳۵۱.

۴. شهید اول، محمدبن مکی. الدرر الشریعة. ج ۱. ص ۲۵۸.

۵. قمی، میرزا ابوالقاسم. غنائم الايام. ج ۴. ص ۲۷۹.

سنت و اجماع ثابت است.^۱

صاحب عروة الوثقی: «وهو من الفرائض وقد جعلها الله تعالى لمحمد وذريته عوضاً عن الزكاة اكراماً لهم؛ خمس یکی از فرایضی است که خداوند متعال برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ذریه اش به جای زکات و برای اکران آنان واجب قرار داده است.»^۲

مرتضی حایری: «وهو من الفرائض وقد جعلها الله تعالى لمحمد وذريته وآله اذا كانوا منسوبين الى هاشم من طرف الاباء؛ خمس یکی از واجباتی است که خداوند متعال برای حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ذریه و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آن حضرت که از طرف پدر منسوب به بنی هاشم باشند، قرار داده است.»^۳

صاحب جواهر الکلام: «وهو حق مالي فرضه الله مالک الملک بالاصالة علی عباده فی مال مخصوص له ولبنی هاشم عوض اکرامه ایاهم بمنع الصدقة والاوساخ منهم؛ خمس حق مالی است که خداوند مالک الملک بالاصاله در مال مخصوصی برای خود و برای احترام به بنی هاشم، در عوض زکاتی که اوساخ دستان مردم است، بر بندگان خود واجب قرار داده است.»^۴

امام خمینی رحمته الله: «وهوالذی جعله الله لمحمد وذريته كثرالله نسلهم المبارک عوضاً عن الزكاة التي اوساخ ايدي الناس اكراماً لهم؛ خمس آن است که خداوند تعالی، برای حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ذریه آن حضرت، که خداوند نسل مبارکشان را زیاد کند، عوض از زکات که اوساخ دست مردم است، واجب قرار داده است.»^۵

از مجموعه تعریف های فقها نکات زیر به دست می آید:

الف) خمس یکی از واجبات مسلّم و ضروریات دین، مانند نماز و روزه است.

ب) خمس برای بنی هاشم حق مالی است به احترام آنها به جای زکات داده می شود.

ج) خمس فقط به فرزندان بنی هاشم داده می شود.

د) خمس واجبی است که از قرآن، سنت و از اجماع ثابت است.

۱. موسوی عاملی، مدارک الاحکام. ج ۵. ص ۳۵۹.

۲. یزدی، محمدکاظم. عروة الوثقی. ج ۲. ص ۳۶۶.

۳. حایری، الخمس. ص ۱۱.

۴. نجفی، جواهر الکلام. ج ۱۶. ص ۲.

۵. خمینی، تحریر الوسیلة. ج ۱. ص ۳۵۱.

بنابراین، خمس عبارت است از ادای یک پنجم بعضی از اموالی که زاید بر مخارج زندگانی باشد، به مستحقان خاص آن.^۱

۳-۲-۱ تشریح و وجوب خمس در آیین‌های قرآن

مسئله‌ی خمس در بیان قرآن جزو انفاقات واجب است که آیه‌ی مربوط به آن در سوره انفال بیان شده است:^۲

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ﴾^۳ بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی‌ایمان) روز جنگ بدر نازل کردیم، ایمان آورده‌اید («... آیه شریفه، پرداخت خمس را از نشانه‌های ایمان مشروط به آن نموده است. بنابراین پرداختن خمس علامت نداشتن ایمان خواهد بود. چنانچه حضرت حجت عجل الله فرجه در توقیعی می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَىٰ مَنْ اسْتَحَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا...، لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَىٰ مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا...»^۴ لعنت خدا و لعنت ملائکه و لعنت همگان بر کسی که یک درهم از مال ما را حلال بشمارد... و لعنت خدا و ملائکه و همگان بر کسی که یک درهم از مال ما را بخورد در حالی که حرام است.»

نکاتی در تشریح و وجوب خمس در بیان آیه‌ی شریفه:

۱. سیاق ظاهری آیه گویای این است که تشریح خمس مانند سایر تشریحات قرآنی ابدی و دائمی است.^۵
۲. «وَأَعْلَمُوا» خطاب به جمیع مکلفین تا روز قیامت است؛ چنانچه تمام احکام اسلامی از این باب است.^۶

۱. خزائلی، احکام قرآن. ص ۴۵۵.

۲. طیب، سید عبدالحسین. اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ج ۶. ص ۱۲۵.

۳. انفال/ ۴۱.

۴. حرعاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه. ج ۹. ص ۵۴۱.

۵. طباطبایی، محمدحسین. المیزان. ج ۹. ص ۸۹-۹۱.

۶. طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ج ۶. ص ۱۲۸.

۳. من شیءٌ دال بر وجوب خمس دارد بر هر غنیمتی که به دست بیاید، حتی کوچکترین اشیاء.^۱

۴. همچنین جمله‌ی "إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ..." قید برای امر وجوبی پرداخت خمس است.^۲

"فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ..." اختصاص خمس به خدا و رسول خدا و دیگر موارد مذکور در آیه را بیان می‌کند؛ یعنی

پرداخت خمس حقی ثابت، لازم و واجب است.^۳

۴-۲-۱ اهمیت خمس

خمس یکی از فرایض اسلامی است. قرآن مجید در بیان اهمیت آن، ایمان را با آن پیوند داده است: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

روایات بسیاری در مورد اهمیت پرداخت خمس در منابع حدیثی آمده است که برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

امام کاظم علیه السلام فرمود: «لقد يسر الله على المؤمنين ارزاقهم بخمسة دراهم جعلوا لربهم واحداً واكلوا اربعة حلالات ثم قال هذا من حديثنا صعب مستصعب لا يعمل به ولا يصبر عليها الا ممتحن قلبه للايمان»^۴ خمس مالتان را بدهید تا رزق شما حلال شود، سپس فرمود: این کلام سختی است که جز افراد با ایمان امتحان شده، تحمل آن را ندارند.

نپرداختن خمس، در کنار شرک و قتل نفس، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «اکبر الکبائر سبع: الشرك والقتل واكل اموال اليتامى و عقوق الوالدين و قذف المحصنات و الفرار من الزحف وانكار ما انزل الله»، سپس فرمود: اما خوردن مال یتیمان همان حقیق است که از ما ربوده و خوردند.^۵

امام زمان علیه السلام فرمود: «لعنة الله والملائكة والناس اجمعين على من استحل من مالنا درهماً»^۶، لعنت خدا و

۱. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. کنز العرفان فی فقه القرآن. ج ۱. ص ۲۴۹.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان. ج ۹. ص ۸۹.

۳. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. ج ۲. ص ۲۲۱.

۴. حرعاملی، وسائل الشیعه. ج ۹. ص ۴۸۴.

۵. همان، ج ۹. ص ۵۳۶.

۶. حرعاملی، وسائل الشیعه. ج ۹. ص ۵۴۱.

فرشتگان و مردم بر کسی که يك درهم مال ما را حلال بشمارد و در روایت دیگر فرمود: ما دشمن این گونه افراد هستیم. «و نحن خصمائهم»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هلك الناس في بطونهم و فروجهم لانهم لم يؤدوا الينا حَقَّنًا»^۲، مردم بخاطر اینکه حَقِّ ما را نمی دهند غذا و آمیزش آنان ناپاک شده و سبب هلاکت آنان می شود.

در بعضی احادیث می خوانیم: «من استحل منها شيئاً فامسكه فانما ياكل النيران»^۳، کسی که بخشی از خمس را حلال پندارد و آن را نپردازد، گویا آتش می خورد.

یاران واقعی اهل بیت علیهم السلام آنگونه ایمان داشتند که نپرداختن خمس را مساوی با حرام خوردن و قبول نشدن نماز و روزه می دانستند و در سؤال کتبی خود از آن بزرگواران می پرسیدند که خمس را چگونه پردازیم تا جزو حرام خواران و کسانی که نماز و روزه شان قبول نیست نباشیم.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود: آسان ترین وسیله ای که انسان را به دوزخ می برد خوردن مال یتیم است، سپس حضرت فرمود: ما یتیم هستیم (و نپرداختن خمس، به منزله خوردن مال یتیم است).

در حدیث دیگر می خوانیم: از سخت ترین شرائطی که مردم در قیامت دارند وضعیت تارکان خمس است.^۵ در حدیثی می خوانیم: «الدنيا و ما فيها لله و رسوله و لنا فمن غلب على شيء منها فليتق الله و ليؤد حق الله و ليتبر اخوانه فان لم يفعل ذلك فالله و رسوله و نحن براء منه»^۶، هر کس بر مال دنیا دست یافت باید تقوی پیشه کند و حق خدا را بپردازد و به برادران ایمانی خود احسان کند و اگر این چنین نکرد خدا و رسول و ما اهل بیت از او بیزاریم.

امام رضا علیه السلام فرمود: «ان الخمس عوننا... فلا تزوه عنا ولا تحرموا انفسكم دعاءنا ما قدرتم عليه»^۷ خمس کمک به ماست آن را از ما دور نکنید تا از دعای ما محروم نشوید.

۱. حرعاملی، وسائل الشیعه. ج ۹. ص ۵۴۰.

۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. وافی. ج ۱۰. ص ۳۳۷.

۳. حرعاملی، وسائل الشیعه. ج ۹. ص ۵۵۰.

۴. همان، ج ۹. ص ۵۰۳.

۵. همان، ج ۹. ص ۴۸۳ و ص ۵۳۶.

۶. همان، ج ۹. ص ۵۴۵.

۷. فیض کاشانی، وافی. ج ۱۰. ص ۲۸۹.

امام زمان علیه السلام فرمودند: «فلا يحلّ لاحد ان يتصرف في مال غيره بغير اذنه فكيف يحل ذلك في مالنا من فعل شيئاً من ذلك لغير امرنا فقد استحلت منا ما حرم عليه و من اكل من مالنا شيئاً فانما يأكل في بطنه ناراً و سيصلى سعيراً»^۱، با اینکه هیچ کس حق ندارد در مال غیر تصرف کند، پس چگونه مردم در مال ما تصرف می‌کنند؟ هر کس بدون دستور ما در مال ما تصرف کند مرتکب گناه شده و هر کس ذره‌ای از مال ما را بخورد پس گویا آتش در شکم اوست.

در روایات می‌خوانیم: «لا يعذر عبد اشترى من الخمس شيئاً ان يقول ربّ اشتريته بمالي حتّى يأذن له اهل الخمس»^۲، عذر کسی که از خمس چیزی خریداری کند پذیرفته نیست، مگر آنکه صاحبان خمس اجازه دهند. امام باقر علیه السلام فرمود: برای هیچ کس حلال نیست مال خمس نداده‌ای را خریداری کند مگر آنکه حق ما را به ما برساند.^۳

اگر وارثان کسی که از دنیا رفته بدانند او خمس مال خود را نداده، باید مثل سایر بدهی‌ها خمس او را بدهند.^۴ امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید: هر کس درهمی از خمس را نپردازد جزء ستمگران بر اهل بیت و کسانی که حق آن بزرگواران را غصب کرده‌اند می‌شود.^۵ در کتب فقهی و رساله‌های مراجع بزرگوار مسائلی است که بر همه مقلدین دانستن آنها لازم است و ما چند جمله از کتاب شریف عروة الوثقی بیان می‌کنیم:

اگر انسان قبل از پرداخت خمس کنیزی بخرد حق تصرف ندارد.^۶ تا مقدار خمس را با فقیه جامع الشرائط مصالحه نکرده، تصرف در مال خمس نداده جایز نیست، حتی اگر در نیت خود قصد پرداخت مبلغ را داشته باشد.^۷

۱. فیض کاشانی، وافی. ج ۱۰. ص ۳۳۴.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه. ج ۹. ص ۵۴۱.

۳. فیض کاشانی، وافی. ج ۱۰. ص ۳۳۷؛ امام خمینی، تحریرالوسیله. ج ۱. ص ۳۳۴ با اندکی تفاوت.

۴. حرعاملی، وسائل الشیعه. ج ۹. ص ۴۸۴.

۵. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم. العروه الوثقی. کتاب الخمس، مسئله ۵۰.

۶. همان، مسئله ۸۰.

۷. همان، مسئله ۷۸.